کارکرد آموزه انتظار در کنترل اجتماعي

حجت‌الاسلام والمسلمين محمد صادق رباني

چکيده

انتظارامام زمان عليه السلام داراي کارکردها و پيامدهاي مختلفي است . دراين مقاله، به کارکردکنترل اجتماعي مي‌پردازيم.

کارکردکنترل اجتماعي با دومکانيزم بح‍ث شده است؛ يکي مکانيزم دروني وديگري مکانيزم بيروني. در مکانيزم دروني، احساس حضورامام، در رفتار افراد منتظر تاثيرگذار است. در مکانيزم بيروني، از جامعه‌پذيري و نظارت اجتماعي (امر به معروف و نهي از منکر) در جايگاه دوعامل بيروني درکاهش ناهنجاريها بحث شده است.

کليدواژه‌ها: انتظارامام زمان، کارکرد، ناهنجاري، کنترل اجتماعي، جامعه‌پذيري، امربه معروف ونهي از منکر.

مقدمه

انتظار امام زمان عليه السلام در جايگاه يک استراتژي جدي شيعه، ميان منتظران آن حضرت، داراي کارکرد‌هاي مختلفي است. در اين مقاله، ما به دنبال آنيم که نقش انتظار حقيقي وسازنده را در رفتارهاي فردي و اجتماعي منتظران بيان کنيم.

انتظار حقيقي و سازنده، انتظاري است که جامعه منتظران را به کاهش ناهنجاري‌ها وانحرافات وادار مي‌کند، وگرنه نشستن ودر انتظار مصلح جهاني بودن از يک طرف و شيوع گناه وجرم وناهنجاري‌ها درجامعه از طرف ديگر، ازکارکردهاي انتظار حقيقي وسازنده به شمار نمي‌آيد.

بنابراين، انتظار حقيقي، جامعه را به سوي کاهش انحرافات وناهنجاري‌ها دعوت مي‌کند. ما دراين مقاله، با سه مکانيزم احساس حضور، جامعه‌پذيري فرهنگ انتظار و امر به معروف و نهي ازمنکر، به کارکرد انتظار امام زمان عليه السلام پرداخته‌ايم.

از کارکردهاي اجتماعي انتظار حضرت مهدي عليه السلام در عصر غيبت، آراستگي جامعه به هنجارها و خوبي‌ها و پيراستن از ناهنجاري‌ها و بدي‌ها است. «کنترل اجتماعي به مکانيسم‌هايي اطلاق مي‌شود که جامعه براي واداشتن اعضايش به سازگاري وجلوگيري ازناسازگاري به کار مي‌برد. [1]» . بر همين اساس، مهم‌ترين کارکرد اجتماعي انتظار، کنترل اجتماعي است؛ يعني دوري جستن از انحرافات و ناهنجاري‌ها و گرايش به ارزش‌ها و هنجارهاي ديني. امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد:[2]

در اين کلام، منتظر واقعي کسي معرفي شده است که خود را با ورع و پرهيزکاري و دوري جستن از ناهنجاري‌ها و آراستن به هنجارها و خوبي‌ها وفق مي‌دهد؛ پس يکي از وظايف منتظران امام زمان عليه السلام در عصر غيبت، دوري جستن از انحرافات و ناهنجاري‌ها است.

با توجه به ناگهاني بودن امر ظهور امام زمان عليه السلام ، آن حضرت، همه شيعيان و منتظران را به اعمال پسنديده و دوري جستن از بدي‌ها و ناهنجاري‌ها فراخوانده و مي‌فرمايد:

هريک از شما بايد آنچه را موجب دوستي ما مي‌شود، پيشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودي ما مي‌شود، دوري گزيند؛ زيرا فرمان ما يکباره و ناگهاني فرا مي‌رسد. آن زمان، توبه و بازگشت، براي کسي نفع و سودي ندارد و پشيماني از گناه، کسي را از کيفر ما نجات نمي‌بخشد.[3]

بنابراين از آثار و کارکردهاي اجتماعي انتظار حقيقي امام زمان عليه السلام ، کنترل اجتماعي و دوري جستن از انحرافات و ناهنجاري‌ها است و منتظر واقعي، هرگز خود را به گناه و بدي‌ها و زشتي‌ها آلوده نمي‌کند.

بنابر آنچه در توقيع مقدس از ناحيه امام زمان عليه السلام به شيخ مفيد صادر شده است علت طولاني شدن غيبت را، اعمال ناپسند و زشت شيعيان دانسته‌اند و فرموده است: «تنها چيزي که ما را از شيعيان پوشيده مي‌دارد، همانا چيزهاي ناخوشايندي است که از شيعيان به ما مي‌رسد و خوشايند ما نيست و از آنان انتظار نداريم»[4].

پس انتظار صحيح و واقعي، فرد منتظر را به اصلاح خويشتن و جامعه وامي‌دارد و نوعي سنخيت بين اعمال و رفتارمان با امام زمان عليه السلام ايجاد مي‌کند.

اين‌که در حديث آمده است کسي که به امام زمان عليه السلام معرفت نداشته باشد، به مرگ جاهلي مرده است، بيانگر اين است که انسان، وقتي از مرگ جاهلي گريخته است که با معرفت امام عصر عليه السلام خود را از هدايت‌هاي آن حضرت بهره‌‌مند کند، و اوامر و نواهي او را که همان دستورات و منهيات اسلام است، رعايت نمايد؛ لذا در سايه اين معرفت و شناخت، شخص منتظر خصوصاً وجامعه منتظر عموماً، خود را به رعايت هنجارهاي ديني (دستورات دين اسلام) ملزم مي‌داند و اين، عاملي است در راستاي کنترل اجتماعي؛ لذا انتظار در جامعه، کارکرد کنترل اجتماعي را ايفا مي‌کند و جامعه را براي ظهور امام زمان عليه السلام آماده و مهيا مي‌گرداند.

انتظار حضرت مهدي عليه السلام با دو مکانيزم، عامل کنترل و نظارت اجتماعي به شمار مي‌رود و باعث کاهش ناهنجاري‌هاي اجتماعي و اخلاقي مي‌شود.

الف. مکانيزم دروني که با احساس حضور امام حاصل مي‌شود؛

ب. مکانيزم بيروني که به وسيله جامعه‌پذير کردن انتظار حضرت مهدي عليه السلام حاصل مي‌شود و مردم، به ارزش‌ها و هنجارهاي ديني و مهدوي گرايش مي‌يابند. همچنين به وسيله نظارت اجتماعي (امر به معروف و نهي از منکر) جامعه از بدي‌ها و ناهنجاري‌ها دوري مي‌گزيند؛ لذا اين مکانيزم بيروني، هم شامل جامعه‌پذيري مي‌شود و هم شامل نظارت و کنترل اجتماعي.

لذا در اين نوشتار ما به سه بخش مي‌پردازيم:

- احساس حضور امام در شخص منتظر که عاملي است در کاهش ناهنجاري‌ها؛

- جامعه‌پذير کردن انتظار حضرت مهدي عليه السلام که عاملي است در گسترش مهدويت و نهادينه کردن فرهنگ انتظار؛

- دعوت به امر به معروف و نهي از منکر که عاملي است در جهت کنترل و نظارت اجتماعي.

از آن‌جا که برخي جامعه‌شناسان، فرايند نظارت اجتماعي را ادامه دهنده بحث جامعه‌پذيري مي‌دانند و هر دو را، مکمل يک ديگر در نظر مي‌گيرند، ما در اين نوشتار، به هر دو بحث اشاره مي‌کنيم.

1. احساس حضور

شخص منتظر در عصر غيبت، خود را در مرآي و منظر امام خويش مي‌داند و به درجه‌اي مي‌رسد که امام عصر را شاهد و ناظر بر اعمال خويش مي‌بيند. اين احساس حضور که در سايه انتظار امام زمان عليه السلام به دست مي‌آيد، به کنترل اجتماعي در جامعه مي‌انجامد و جامعه و افراد را از انحرافات باز مي‌دارد.

در زيارت روز جمعه امام زمان عليه السلام آمده است: «سلام بر تو ‌اي چشم خدا ميان آفريدگان!»[5] يکي از القاب امام زمان عين الله است؛ يعني امام زمان، چشم خداوند ميان بندگان است. با اين وصف، منتظر واقعي، هميشه احساس حضور مي‌کند و اين احساس حضور در محضر امام زمان عليه السلام ، او را از ارتکاب گناه و ناهنجاري‌ها باز مي‌دارد و پيوسته مراقب مجموعه گفتارها و رفتارهاي خود خواهد بود، تا عملي برخلاف رضاي امام عصر عليه السلام از او صادر نشود.

همچنين آن حضرت، در توقيع شريفش به شيخ مفيد مي‌فرمايند: «ما به اخبار شما آگاهيم و هيچ چيز از اوضاع شما، بر ما پنهان نيست»[6] و در ادامه مي‌فرمايد: «ما هرگز از سرپرستي و رسيدگي به شما کوتاهي نکرده و ياد شما را از خاطر نبرده‌ايم».

اين کلمات نوراني، نمونه‌اي از آگاهي و محبت و مراقبت دائمي امام زمان عليه السلام به شيعيان و دوستانش است و نشان از اين دارد که شيعيان، همواره در منظر و مرأي امام عصر عليه السلام هستند. با اين اوصاف، منتظر حقيقي، همواره احساس حضور مي‌کند؛ بنابراين، احساس حضور، عامل دروني و مکانيزم دروني براي کاهش ناهنجاري‌هاي اجتماعي به شمار مي‌آيد.

همچنين رواياتي كه مي‌گويد نامه اعمال و کردار شيعيان و انسان‌ها، هفته‌اي دو روز (دوشنبه و پنجشنبه) به محضر حضرت عرضه مي‌شود، حاکي از اين است که همه اعمال و رفتار انسان‌ها در نظر امام عصر عليه السلام است؛ بنابراين انتظار حقيقي، انسان‌هاي منتظر را به مراقبت از خويش و رعايت هنجارها دعوت مي‌کند.

پس اثر و کارکرد احساس حضور، کنترل و نظارت اجتماعي است. به تعبير ديگر، به کاهش ناهنجاري‌ها مي‌انجامد؛ زيرا «ميان انتظار و عمل مورد پذيرش منتظر، تلازم منطقي وجود دارد و در غير اين صورت، انتظار، امري بي‌معنا خواهد بود. »[7]

نمونه‌اي از اوج احساس حضور

ابوبصير مي‌گويد:

با امام باقر عليه السلام وارد مسجد شدم و مردم در حال رفت و آمد بودند. امام عليه السلام خود را از ديدگان مردم غايب كرده، به من فرمود: «از مردم بپرس آيا مرا مي‌بينند؟» من با هرکس ملاقات کردم و از او پرسيدم: آيا امام باقر عليه السلام را ديدي؟ مي‌گفت: «نه». تا اين که فردي نابينا به نام ابو هارون وارد شد. امام عليه السلام فرمود: «از اين مرد بپرس». به او گفتم: «آيا امام را ديدي؟» ابوهارون در جواب گفت: «مگر او اين‌جا نايستاده است؟» ابو‌بصير گفت: از او پرسيدم: «تو از کجا از اين مطلب آگاه شدي؟» ابو هارون گفت: «چگونه به آن، علم و آگاهي پيدا نکنم؛ در حالي که امام، نوري است آشکار؟!» آن‌گاه ابو‌بصير مي‌گويد: شنيدم که امام باقر عليه السلام به مردي از اهل آفريقا مي‌فرمود: «حال راشد چگونه است؟» او گفت: «از آفريقا که بيرون آمدم، زنده و سالم بود و به شما سلام رساند». امام فرمود: «خدا او را رحمت کند!» مرد آفريقايي پرسيد: «او ُمرد؟» امام فرمود: «آري». او پرسيد: «چه زماني؟» امام فرمود: «دو روز پس از بيرون آمدنت از آفريقا مُرد» . . . آن گاه امام فرمود: آيا معتقديد براي ما دربارة شما، چشماني نظاره‌گر و گوش‌هايي شنوا وجود ندارد؟ چه بد است آنچه به آن عقيده داريد! به خدا سوگند! بر ما هيچ چيز از اعمال شما پنهان نيست؛ پس همه ما را نزد خود حاضر بدانيد و خودتان را به کارهاي پسنديده عادت دهيد و اهل کارهاي نيک شويد، تا اين حقيقت را بشناسيد.[8]

بنابراين كاركرد احساس حضور امام زمان، دوري جستن از لغزش‌ها و ناهنجاري‌ها است و احساس حضور عامل دروني براي نظارت و کنترل در اجتماع به شمار مي‌آيد؛ بنابراين منتظران واقعي، خود را به هنجارها و ارزش‌ها عادت مي‌دهند.

پارسونز، درکنترل و نظارت اجتماعي به «توسل به وجدان افراد از طريق مطرح كردن معيارهاي درست و نادرست در يک سيستم اخلاقي»[9] معتقد است. احساس حضور را مي‌‌توان نوعي توسل به وجدان افراد منتظر دانست که از اين طريق، اعمال خود را با معيارهاي انتظار حقيقي مطابق کرده و از اعمال انحرافي و ناهنجاري‌ها دوري مي‌جويند.

2. جامعه‌پذير‌کردن انتظارامام زمان عليه السلام

پيش از پرداختن به مبحث مذکور، لازم است دربارة جامعه‌پذيري و نظارت و کنترل اجتماعي بحثي انجام شود، تا تفاوت‌ها روشن گردد.

1ـ2. تفاوت جامعه‌پذيري با نظارت اجتماعي

نظارت اجتماعي، مجموعه فراگردهاي جامعه‌پذيري و به ويژه فشاري است که افراد، از جانب سايران در جامعه حس مي‌کنند. اين فشار، باعث مي‌شود رفتار آن‌ها در راستاي همرنگي و متابعت از جامعه سوق داده شود و انسجام جامعه حفظ گردد.[10]

طبق اين تعريف، نظارت اجتماعي، از مجموعه فراگردهاي جامعه‌پذيري و کنترل اجتماعي است؛ لذا برخي انديشوران از جمله کازينو جامعه‌پذيري را جزئي از فرايند نظارت اجتماعي مي‌دانند و برخي ديگر، نظارت اجتماعي را «ادامه فرايند جامعه‌پذيري»[11] پنداشته‌اند.

بنابراين جامعه‌پذيري و کنترل اجتماعي هر دو، فرايندي هستند که مکمّل يک‌ديگرند؛ به گونه‌اي که جامعه‌پذيري، به دنبال همنوايي جامعه است و کنترل اجتماعي، به دنبال کاهش ناهنجاري‌ها. «فرايند کنترل اجتماعي و فرايند اجتماعي‌شدن (جامعه‌پذيري) دو روي يک سکه و دو جنبه از يک واقعيت تام هستند.‌»[12]

هر جامعه براي بقا و همنوايي افراد جامعه با ارزش‌ها و هنجارها، به دو فرايند اکتفا مي‌کند؛ يکي جامعه‌پذيري که در اين باب به انتقال فرهنگ و ارزش‌ها مي‌پردازد و ديگري نظارت اجتماعي که از بروز تخلف جلوگيري مي‌کند. بر اين اساس، ما به دو بحث مي‌پردازيم؛ يکي فرايند جامعه‌پذيري انتظار و ديگري نظارت و کنترل اجتماعي که هر دو در کاهش ناهنجاري‌ها مؤثرند. در جامعه‌پذيري موفق، ارزش‌ها و هنجارهاي اجتماعي، دروني مي‌شود؛ به گونه‌اي که اين هنجارها با فرد يگانه مي‌گردد و او، خود را به انجام آن ملزم مي‌بيند و بدون اين که تحت فشار يا نظارت بيروني قرار بگيرد، به اين هنجارها و ارزش‌ها عمل مي‌کند. در اين حالت، فرد، لحظه به لحظه احساس نمي‌کند که به او فرمان داده مي‌شود و عوامل بيروني به او حکم مي‌رانند؛ بلکه خود به خود، هنجارهاي اجتماعي را عمل مي‌کند و سرچشمه همنوايي او با هنجارهاي اجتماعي، انتخاب آگاهانه خود او است، نه عوامل بيروني. [13]

لذا اگر فرايند جامعه‌پذيري در جامعه‌اي موفق عمل نکند، نوبت به نظارت و کنترل بيروني مي‌رسد، تا در اين فرايند، جلوي انحرافات و ناهنجاري‌ها گرفته شود؛ بنابراين، جامعه‌پذيري و کنترل اجتماعي، هر دو مکمل يک‌ديگرند؛ يعني «هر چه عملکرد جامعه‌پذيري مؤثرتر و موفقيت‌آميزتر باشد، ميزان کجروي، کمتر و بالتبع، نياز به نظارت اجتماعي کاهش خواهد يافت. در مقابل، هر چه فرايند جامعه‌پذيري، داراي نقصان باشد، جامعه بايد به مراتب، هزينه‌هاي بيشتري را براي نظارت اجتماعي بپردازد. »[14]

بر اين اساس، ما، هم به جامعه‌پذيري انتظار مي‌پردازيم و هم به مبحث کنترل و نظارت اجتماعي (امر به معروف و نهي از منکر) که از آثار اجتماعي انتظار مثبت به شمار مي‌آيد؛ چرا که انتظاري که انسان‌ها را به گناه و معصيت دعوت کند يا آن‌ها را از گناه و معصيت دور نسازد، انتظار مثبت و سازنده نيست، بلکه انتظار مخرّب و ويرانگر است.

به اعتقاد برخي محققان جامعه‌شناس، سه عامل اصلي در بروز انحرافات رفتاري وجود دارد که يکي از آن عوامل، «آموزش ناکافي اعضاي جديد جامعه در زمينه نظام اجتماعي»[15] است؛ لذا با فرايند جامعه‌پذير‌کردن انتظار، مي‌توان فرهنگ مهدويت و انتظار را در جامعه و نسل جديد نهادينه کرد و از بروز برخي ناهنجاري‌ها جلوگيري کرد.

عامل دوم، «فشار نقش اجتماعي يا صدمات ناشي از برعهده‌گرفتن دو نقش متفاوت که ناشي از تلاش براي قراردادن فرد، با نيازهاي شخصي وي، درنقش معيني درنظامي است که نيازهاي ديگري دارد»[16] که اين، باعث تعارض در شخصيت فرد و نقشي مي‌شودکه جامعه به او محول کرده است و اين امر، عاملي براي بروز انحرافات مي‌شود[17].

عامل سومي که در بروز انحرافات مؤثر است، عبارت است از «ارزش‌هاي متعارض که ناشي از وجود معيارهاي متنافر در بطن نظام ارزشي هستند»؛[18] لذا قائلان به انتظار ويرانگر، قائل به گسترش گناه و اشاعه فحشاء هستند و انتظار را در رواج فساد و گناه دنبال مي‌کنند، تا به اين وسيله، ظلم و جور گسترش يابد و زمينه ظهور امام زمان عليه السلام به خيال خودشان محقق شود؛ در حالي که انتظار صحيح، بايد انسان‌ها را از گناه و معصيت باز دارد. وجود چنين تفکري در برخي گروه‌ها سبب شده است برخي افراد دچار تعارض در رفتار شوند و اين، همان عاملي است که در بروز انحرافات مؤثر است. با بيان انتظار صحيح و نقش امر به معروف و نهي از منکر که از وظايف منتظران حقيقي امام زمان عليه السلام است، مي‌توان جلوي اين فکر خطرناک را گرفت و جامعه را از رواج و گسترش فساد و معصيت باز داشت. بر همين اساس، ما، هم به بحث جامعه‌پذيري فرهنگ مهدويت و انتظار مي‌پردازيم و هم به بحث امر به معروف و نهي از منکر در جايگاه عامل بيروني براي نظارت و کنترل اجتماعي که هر دو مکانيزم، عاملي است در جهت کاهش ناهنجاري‌ها.

2-2. تعريف جامعه‌پذيري

جامعه‌پذيري (اجتماعي شدن) که از دوران طفوليت آغاز مي‌شود، فرايندي است که توسط آن، فرد با فراگيري گرايش‌ها، انديشه‌ها و انگاره‌هاي رفتار مورد پسند جامعه ـ از طريق تماس با ديگران ـ نقش‌هايي را که تعيين کننده رفتار اجتماعي او است و با پايگاه وي در گروه‌هاي مختلف اجتماعي انطباق دارد، بر عهده مي‌گيرد. در جريان جامعه‌پذيري است که شخصيت، تکوين مي‌پذيرد. [19]

3ـ2. عوامل جامعه‌پذيري

براي تحقق جامعه‌پذيري، کارگزاراني لازم است که عبارتند از: 1. خانواده 2. گروه همسالان 3. ‌مدرسه، مسجد و نهادهاي آموزشي و مذهبي و 4. وسائل ارتباط جمعي.

1ـ3ـ2. جامعه‌پذيري در خانواده ايراني

خانواده، نخستين نهاد اجتماعي است که شخص، در آن پا به عرصه زندگي مي‌گذارد و اولين پايه‌هاي تربيتي و تعليمي در آن گذارده مي‌شود. در ايران، خانواده‌ها، داراي امتيازهايي هستند از جمله:

1. «خانواده در ايران، از استحکام خوبي برخوردار بوده، بسياري از کارکردهاي خود را حفظ کرده است. »[20] کارکرد تعليم و تربيت که در رأس آن، آموزش ديني به کودکان است، هنوز در رأس کارکردهاي خانواده در جامعه ايراني به شمار مي‌آيد.

2. دومين خصوصيتي که به سبب وجود آن، خانواده در ايران، اهميت فراواني در جامعه‌پذيري افراد دارد، اين است که در بيشتر خانواده‌ها، مادران، خانه‌دار هستند و پيوسته با فرزندان خود تعامل دارند. [21] خانواده‌ها مي‌توانند با مهم جلوه دادن انتظار وآموزش آن، جامعه‌پذيري انتظار را ميان فرزندان خود نهادينه سازند؛ لذا خانواده، پايگاه مهمي در جامعه‌پذيري فرهنگ انتظار و مهدويت به شمار مي‌آيد.

2ـ3ـ2. گروه همسالان

ارتباط چهره به چهره و عاطفي و غير رسمي که گروه همسالان با هم دارند، بيشترين تأثير را در جامعه‌پذير کردن آنان بر عهده دارد. اين گروه، به راحتي از يک‌ديگر متأثر مي‌شوند و يکي از مهم‌ترين عامل‌ها در جامعه‌پذيري افراد، گروه همسالان به شمار مي‌آيند. «بيشترين تأثير گروه همسالان را بايد در دوران نوجواني و جواني دانست. طبيعي است هر مقدار تعداد نوجوانان و جوانان يک جامعه بيشتر باشد، اهميت گروه همسالان نيز در آن جامعه بيشتر مي‌شود. [22]»

هر قدر گروه هم‌سالان ايران، با عقايد ديني و مذهبي، از جمله فرهنگ انتظار و مهدويت، بيشتر آشنا و مأنوس باشند، مي‌توانند در هم‌سالان خود تأثير زيادي بگذارند. با توجه به جوان بودن کشورما ضرورت وجود راهکارهاي مختلفي از جمله آموزش جوانان وآشنا کردن آنان با مباحث مهدويت، بيشتر احساس مي‌شود، تا در پرتو اين راهکارها، فرهنگ انتظار، ميان جوانان نهادينه گردد.

3ـ3ـ2. مساجد و نهادهاي مذهبي و آموزشي

يکي از کارگزاران جامعه‌پذيري در ايران، مساجد و نهادهاي مذهبي و آموزشي است. دين، مي‌تواند عامل بسيار مهمي در جامعه‌پذير کردن افراد باشد؛ به ويژه جامعه ايراني، جامعه اسلامي و ديني است و مساجد و نهادهاي مذهبي، پايگاه مهمي در جامعه‌پذير‌کردن افراد به شمار مي‌آيند. «افراد، در جريان آشنايي با نهادها و اماکن ويژه‌اي چون مسجد، حسينيه، هيأت‌هاي مذهبي و شرکت در مراسم نماز جماعت، عزاداري، مجالس و محافل ديني، مستقيماً با بخش مهمي از ارزش‌ها و هنجارهاي خاص جامعه آشنا شده و خود را با آن هماهنگ[24] مي‌سازند»؛ لذا اين پايگاه‌هاي مذهبي، مي‌توانند عامل مهمي در انتقال فرهنگ صحيح انتظار امام زمان عليه السلام و مهدويت باشند.

نهاد مدرسه و آموزش و پرورش هم با طرح مباحث مهدويت و انتظار امام زمان عليه السلام در کتاب‌هاي بينش و انديشه اسلامي و پرداختن به مسائل اصلي و ريشه‌اي انتظار صحيح، مي‌تواند جوانان ايران را در جامعه‌پذير کردن فرهنگ انتظار و مهدويت ياري كرده و در پرتو اين جامعه‌پذيري، جوانان را از هر نوع آسيب حفظ نمايد.

4ـ3ـ2. وسايل ارتباط جمعي (راديو، تلويزيون، روزنامه‌ها و مجلات)

با توجه به اين که يکي از کارکردهاي وسائل ارتباط جمعي، کارکرد آموزشي است، اين وسيله، در جامعه‌پذير کردن فرهنگ انتظار، نقش بسزايي دارد.

وسائل ارتباط جمعي، مي‌توانند با طرح مباحث و ميزگردهايي دربارة مهدويت و انتظار و آثار انتظار مثبت، به نقش نظارتي انتظار توجه دهند و جوانان را به دوري از ناهنجاري‌ها دعوت کنند.

راهکارهاي جامعه‌پذير کردن انتظار، توسط وسايل ارتباط جمعي چنين است:

1. طرح مباحثي دربارة فرهنگ انتظار و مهدويت در قالب ميزگردهاي علمي؛

2. پخش دعاهاي منسوب به حضرت مهدي عليه السلام (دعاي ندبه، دعاي عهد، زيارت آل يس، . . . )؛

3. تهيه فيلم‌هايي با موضوع مهدويت و انتظار و آثار سازنده آن؛

4. چاپ و انتشار مجله‌هايي دربارة بحث انتظار و مهدويت (اعم از ماهنامه و فصلنامه).

بنابراين عواملي از جمله نهاد خانواده، مدرسه و نهادهاي مذهبي، گروه هم‌سالان و وسائل ارتباط جمعي، هر کدام به نوبه خود مي‌توانند فرهنگ انتظار مثبت و انتظار سازنده را در جامعه رواج داده و نهادينه کنند، تا به اين وسيله، افراد جامعه با جامعه‌پذيري مهدوي، خود را از فساد و گناه و معصيت دور سازند. ما در اين بخش، به راهکارهاي کلي جامعه‌پذير کردن فرهنگ انتظار مي‌پردازيم، تا هر کدام از عوامل و کارگزاران جامعه‌پذير از اين راهکارها و قالب‌ها براي ترويج بحث انتظار امام زمان عليه السلام استفاده كرده و آن را تبليغ نمايند.4ـ2. راهکارهاي کلي جامعه‌پذير كردن انتظار

1ـ4ـ2. گراميداشت مراسم نيمه شعبان

نيمه شعبان، عيد انتظار است. عيد به نمايش گذاشتن شادماني‌ها و مراسمي است که به واسطه آن، مي‌توان انتظار را جامعه‌پذير کرد. مراسم نيمه شعبان، يعني اعلان آمادگي و وفاداري به حضرت ولي‌عصر عليه السلام و آمادگي ظاهري و باطني براي ظهور آن حضرت. اين شادي‌ها و آذين‌بندي‌ها همه بدان سبب است که ما منتظر مصلح جهاني هستيم. در قالب اين مراسم و شور و نشاط نيمه شعبان، مي‌توانيم فرهنگ انتظار و کارکردهاي آن را به افراد منتظر بيان کنيم، تا منتظران، همان طور که ظاهراً آماده‌اند، باطن خويش را هم آراسته کنند، تا حقيقتاً منتظر امام زمان عليه السلام به شمار روند.

2ـ4ـ2. برگزاري مراسم ادعيه خاص حضرت مهدي عليه السلام

برگزاري و شرکت در مراسم دعاهاي منسوب به امام زمان عليه السلام راهي است براي انتقال مباحث انتظار. با تأمل و تدبر در اين ادعيه‌، معرفت و شناخت ما به امام زمان عليه السلام کامل‌تر شده و به آن حضرت، بيشتر احساس نياز مي‌کنيم.

تدبر در مضاميني از جمله: (بخشي از دعاي عديله)، [25] (بخشي از زيارت امام زمان در روز جمعه)، [26] (بخشي از دعاي ندبه)[27] و مضاميني ديگر که در ساير دعاها آمده است، فرهنگ انتظار را در افراد منتظر، جامعه‌پذير و نهادينه مي‌کند و زمينه ظهور امام زمان عليه السلام را فراهم مي‌نمايد؛ لذا با برپايي اين مراسم و شرکت در آن، فرهنگ انتظار، در وجود افراد جامعه نهادينه مي‌شود و زمينه اصلاح فرد و جامعه، فراهم مي‌گردد.

3ـ4ـ2. توجه به اماکن ويژة منسوب به امام زمان عليه السلام (مسجد جمکران و سهله)

مسجد جمکران، جايگاه ميليون‌ها انسان علاقه‌مندي است که به شوق ديدار و توسل جستن به آن بزرگوار، در آن جمع مي‌شوند و به دعا و نيايش مي‌پردازند. عبادت و دعا در اين اماکن مقدس، يکي از راهکارهاي جامعه‌پذير کردن فرهنگ انتظار به شمار مي‌رود.

4ـ4ـ2. هديه فرستادن به نيابت از حضرت مهدي عليه السلام (از قبيل صدقه دادن، به جا آوردن طواف، نماز خواندن و اعمال مستحبي ديگر)

يکي از راهکارهاي ديگر جامعه‌پذير کردن انتظار ميان نسل جوان و افراد جامعه، اين است که همواره به ياد امام زمان عليه السلام باشيم و به نيابت آن حضرت، اعمال مستحبي را انجام دهيم؛ چرا که منتظِر، همواره به ياد منتظَر (امام زمان عليه السلام ) است و اين، نشانة علاقه و محبت به آن حضرت است.

پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله فرمود: هيچ بنده‌اي ايمان نياورد، تا اين که من، نزد او از خودش محبوب‌تر باشم، و خاندانم از خاندان خودش نزد او محبوب‌تر باشند، و عترت من نزد او از عترت خودش محبوب‌تر باشند، و ذات من از ذات خودش نزد او محبوب‌تر باشد. [28]

با ترويج اين راهکارهاي کلي در خانواده، مدرسه، نهادهاي مذهبي و وسايل ارتباط جمعي، فرهنگ انتظار در افراد نهادينه مي‌شود و اين، خود عاملي است در کاهش ناهنجاري‌ها.

3. نظارت و کنترل اجتماعي

مکانيزم سومي که براي کاهش ناهنجاري‌ها درعصر غيبت، مؤثر به حساب مي‌آيد، امر به معروف و نهي از منکر در جايگاه عامل کنترل اجتماعي است. «کنترل اجتماعي، کليه فرايندهايي را دربرمي‌گيرد که جامعه و گروه‌هاي تشکيل دهنده آن، توسط آن‌ها بر رفتار افراد جامعه تأثير نهاده و آنان را به همنوايي با هنجارهاي گروه سوق مي‌دهند.‌»[29]

نظارت و کنترل اجتماعي که از کارکردهاي اجتماعي انتظار حضرت مهدي عليه السلام محسوب مي‌شود، به اين معنا است که منتظر امام زمان عليه السلام هرگز خود رابه گناه و فساد و رواج آن، آلوده نمي‌کند؛ بلکه انتظار، زمينه‌اي مي‌شود براي اصلاح خود و جامعه. بر اين اساس، انتظار حقيقي «مانع حل شدن آدمي در محيط فساد يا تسليم شدن برابر آن است . . . که پيوسته آن‌ها را به مقاومت و خويشتن داري دعوت مي‌کند و برابر امواج نيرومند فساد و تباهي مصونشان مي‌دارد. »[30]

1ـ3. برداشت انحرافي عده‌اي از انتظار

انتظار سازنده و صحيح، انتظاري است که انسان را به عمل و حرکت و پويايي و امر به معروف و نهي از منکر و دعوت به خدا و جهاد في سبيل الله فرا مي‌خواند؛[31] اما گروهي، از انتظار، برداشت انحرافي کرده‌اند و معتقدند يکي از زمينه‌هاي ظهور، رواج فساد و ظلم در جامعه است.

]به عقيدة برخي[ هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تبعيض و هر حق‌کشي و هر پليدي، به حکم اين که مقدمه صلاح کلي است و انفجار را قريب الوقوع مي‌کند، روا است؛ زيرا «الغايات تبرر المبادي»؛ هدف‌ها، وسيله‌هاي نامشروع را مشروع مي‌کنند؛ پس بهترين کمک به تسريع در ظهور و بهترين شکل انتظار، ترويج و اشاعه فساد است. »[32]

اين برداشت از انتظار، ويرانگر و قشري است.

اين گروه که به انجمن حجّتيه معروف‌هستند، «در ظاهر، با فساد مخالفند؛ ولي در عمق ضميرشان، به اشاعه ظلم و فساد براي تسريع ظهور مهدي، به عنوان تقويت زمينه‌هاي منفي که لازمه قيام حضرت است، رضايت مي‌دهند». [33]

«اين گروه، قائلند براي تحقق انقلاب مهدي، بايد زمينه‌هاي منفي در جامعه، مثل تبهکاري و ستمگري‌ها گسترش پيدا کند». [34] همچنين قائلند که «در اثر شيوع گناه و فحشا، مردم، بدترين خلق خدا در روي زمين مي‌شوند و خداوند، آن‌ها را به سه بلا دچار مي‌کند:1. جور سلطان، قحطي زمان، ستم حکام؛ 2. مردم از هم بيزار شده و همديگر را مورد لعن قرار داده، به روي هم آب دهان مي‌اندازند و شهادت به کفر يک‌ديگر مي‌دهند؛ 3. گراني، قحطي، زلزله‌هاي پياپي، قتل و غارت، شيوع گناه و فساد و . . . »[35].

بر همين مبنا قائلند اين گناهان، ظهور حضرت را محقق مي‌كند؛ همان‌گونه كه در حديث آمده است: «يملاء الله عزوجل به الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛[36] لذا با حکام جور و ستمگر و سلاطين، به مبارزه برنمي‌خيزند، تا ظلم و فساد گسترش پيدا کند.

حضرت امام خميني5 هم در واکنش به اين جريان انحرافي به ايراد سخن پرداخته و فرمود:

يک دسته‌اي مي‌گفتند که: خوب! بايد عالم پرمعصيت بشود، تا حضرت بيايد. ما بايد نهي از منکر نکنيم، امر به معروف هم نکنيم تا مردم هر کاري مي‌خواهند بکنند؛ گناهان زياد بشود که فرج نزديک بشود… .[37] يک دسته‌اي از اين بالاتر بودند و مي‌گفتند: بايد دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه، تا دنيا پر از جور و ظلم شود و حضرت عليه السلام تشريف بياورند. اين هم يک دسته‌اي بودند که البته بين اين دسته، منحرف‌هايي هم بودند. [38]

اين ديدگاه‌ها، ديدگاه انحرافي از انتظار امام زمان عليه السلام است که ما به نقد آن مي‌پردازيم و معتقديم منتظر واقعي، هرگز خود را به گناه و معصيت آلوده نمي‌کند و به ترويج آن هم نمي‌پردازد.

2ـ3. نقد اين نظريه

1ـ2ـ3. لازمه اين تفکر انحرافي، نفي دستورات اسلام، به ويژه نفي امر به معروف و نهي از منکر است. امام خميني1 مي‌فرمايد: «اگر هر روايتي بيايد که نهي ازمنکر را بگويد نبايد کرد، اين رابايد به ديوار زد. اين‌گونه روايت، قابل عمل نيست». [39] شهيد مطهري1 اين نوع برداشت را نوعي اباحيگري مي‌داند و لازمه اين برداشت را تعطيلي در حدود و مقررات اسلامي شمرده و معتقد است اين نوع برداشت، با موازين اسلامي و قرآني موافق نيست و لازمه اين نوع تفکر، اين است که به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهيان از منکر، با نگاه عداوت‌گونه‌اي نگريسته شود. [40] به قول حضرت امام، لازمه اين تفکر انحرافي، اين است که ما بايد دعا‌گوي آمريکا و صدام باشيم، به دليل اين همه ظلم و فسادي که در جهان مي‌کنند. [41]

2ـ2ـ3. اين طرز تفکر، شبه ديالکتيکي و شبه مارکسيستي است؛ زيرا مارکسيست‌ها براي رسيدن به کمونيسم نهايي ايجاد نارضايتي و توسعه فساد را براي به اوج رساندن کش مکش‌ها لازم مي‌دانند و اصلاحات و سامان بخشيدن به امور را نامشروع مي‌شمارند، «با اين تفاوت که در تفکر ديالکتيکي، با اصلاحات، از آن جهت مخالفت مي‌شود و تشديد نابساماني‌ها از آن جهت اجازه داده مي‌شود که شکاف، وسيع‌تر شود و مبارزه، پي‌گيرتر و داغ‌تر گردد؛ ولي اين تفکر عاميانه، فاقد اين مزيت است و فقط به فساد و تباهي فتوا مي‌دهد که خود به خود، منجر به نتيجه مطلوب بشود». [42]

3ـ2ـ3. اين حديث كه به پر شدن زمين از عدل و داد توسط امام زمان عليه السلام پس از آكنده شدن آن از ظلم و جور اشاره دارد، شاهد بر نفي تفکر گسترش ظلم و فساد است؛ زيرا اين حديث، سخن از گروه ظالم مي‌کند که مستلزم وجود گروه مظلوم است و دلالت دارد بر اين که قيام امام زمان عليه السلام براي حمايت مظلومان است؛ ولي اگر روايت اين طور بود که يملاء الله به الارض ايماناً و توحيداً و صلاحاً بعد ما ملئت کفراً و شرکاً و فساداً اين عبارت مستلزم اين نبود که لزوماً گروهي شايسته حمايت وجود دارند. در اين صورت، استنباط مي‌شد که قيام امام زمان عليه السلام براي نجات حق از دست رفته و به صفر رسيده است، نه براي گروه حق ولو به صورت اقليت. [43]

4ـ2ـ3. اين روايت، به اين معنا نيست که همه مردم آن زمان، فاسد و ستمگرند و هيچ فرد صالحي يافت نمي‌شوند؛ چرا که آيه55 سوره نور و آيه پنج سوره قصص، حاکي از آن است که هنگام ظهور، افراد پاک و شايسته‌اي وجود دارند که به رهبري امام زمان عليه السلام وارثان حکومت در زمين هستند؛ لذا منظور، فراگيري مطلق ظلم و ستم نيست، به حدي که انسان وارسته يافت نگردد؛ بلکه فراگيري ظلم و جور، در عالم، نسبي است؛[44] به همين سبب، انسان‌هاي وارسته و صالحي هم وجود دارند. امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد: «امر فرج تحقق نمي‌پذيرد تا اين که هر يک از شقي و سعيد به نهايت کار خود برسند»[45]؛ لذا کنار وجود ظلم و فساد، انسان‌هاي وارسته و صالح هم هستند. همچنين وجود گروه زبده (313 نفر) ياران حضرت که در روايات آمده است به حضرت ملحق مي‌شوند، حاکي از اين است که در عين رواج ظلم و فساد، زمينه‌هايي عالي وجود دارد که چنين گروه زبده‌اي را پرورش مي‌دهد. [46]

5ـ2ـ3. اين ديدگاه که هدف ها، وسيله‌هاي نامشروع را توجيه مي‌کند، از نظر ديني کاملاً اشتباه است؛ زيرا:

همان طور که حکومت حضرت مهدي عليه السلام ريشه‌کن‌کننده ظلم و جور و برپاکننده عدل است و از قلدري و قساوت تهي مي‌باشد، راه پيدايش اين مقصود نيز بايستي چنين باشد. از ظلم و جور دور، از قساوت و قلدري بر کنار، و از دروغگويي و رياکاري خالي باشد. قداست، مجوّز گناه نمي‌شود؛ چرا که گناه، جز گناه نمي‌زايد و با ظلم، نمي‌شود عدل برپا کرد. [47]

6ـ2ـ3. حرکت امام زمان عليه السلام مانند امور ديگر روال طبيعي دارد و کارها در زمان حضرت به طور معجزه‌آسا صورت نمي‌گيرد؛ بلكه کارها به طور طبيعي صورت مي‌پذيرد؛[48] بنابراين هرچه امور و کارها آماده‌تر باشد، کار امام زمان کمتر خواهد بود. ولي هرچه ناهنجاري‌ها و مفاسد در جامعه اسلامي بيشتر باشد، بالتبع کار امام زمان عليه السلام در رفع اين ناهنجاري‌ها و انحرافات بيشتر و سخت‌تر خواهد بود؛ پس هرچه زمينه‌هاي اصلاح در جامعه بيشتر باشد، ظهور، زودتر محقق مي‌شود؛ ولي هرچه گناه و معصيت، زيادتر گردد، ظهور حضرت هم به تأخير مي‌افتد. در روايتي از امام صادق آمده است: قائم ما، زماني قيام مي‌کند که جز عرق ريختن و خواب بر روي زين‌ها (از فرط خستگي و مبارزه) نيست. [49] براي ظهور حضرت، بايد شرايط مهيا شود و جامعه، به ارزش‌ها و هنجارهاي ديني سوق داشته باشد و از انحرافات به دور باشد. امام خميني مي‌فرمايد: «فراهم کردن اسباب، به اين است که کار را نزديک بکنيم. کار را چنان بکنيم که مهيا بشود عالم، براي آمدن حضرت». [50] به همين سبب هرچه جامعه سالم‌تر و پاک‌تر باشد، کار امام زمان عليه السلام کمتر و آسان‌تر خواهد بود. منتظران، بايد خود را براي ظهور حضرت با اعمال صالح و شايسته آماده کنند؛ چرا که منتظر مصلح، خود بايد صالح باشد. در جاي ديگر ايشان مي‌فرمايد: «اين طور نيست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عليه السلام هستيم، پس ديگر بنشينيم در خانه‌هايمان، تسبيح را دست بگيريم و بگوييم: عجل علي فرجه. «عجل» با کار شما بايد تعجيل بشود. شما بايد زمينه را فراهم کنيد براي آمدن او . . . ». [51]

بنابراين لازمه انتظار صحيح اين است که به اصلاح خود و جامعه همّت گماشته و در جامعه امر به معروف و نهي از منکر کنيم، تا هنجارها و ارزش‌هاي اسلامي و ديني همچنان زنده بماند و زمينه ظهور امام زمان عليه السلام فراهم شود. از آن جا که دليل عمده نفي تفکر حجتيه، بحث امر به معروف و نهي از منکر است، در اين بخش به اين مبحث مي‌پردازيم.

3ـ3. امر به معروف و نهي از منکر، عاملي در جهت نظارت اجتماعي

يکي از ساز و کارهاي مهم در عصر غيبت، براي کاهش ناهنجاري‌ها، امر به معروف و نهي از منکر است. منتظر واقعي امام زمان عليه السلام همواره به اين فريضه مهم اهميت مي‌دهد و سبب احياي ارزش‌ها و هنجارهاي ديني در جامعه مي‌شود. اميرالمؤمنين در حکمت 374 نهج البلاغه مي‌فرمايند: «همه اعمال نيک و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهي از منکر، همانند قطره‌اي برابر درياست. [52] از اين عبارت، اهميت امر به معروف و نهي از منکرروشن مي‌شود که در هيچ زمان تعطيل‌بردار نيست. از تکاليف منتظران در عصر غيبت، امر به معروف و نهي از منکر است؛ چرا که رضايت امام زمان عليه السلام در انجام معروف و احياي ارزش‌هاي ديني است. بزرگ‌ترين امر کننده به معروف و نهي کننده از منکر، در روزگار ظهور، خود مهدي عليه السلام است؛ پس چگونه ممکن است که جامعه منتظر، خشنودي مهدي را نخواهد، و در اين بعد، به مهدي اقتدا نکند، و به او تشبّه نجويد؟[53]

پيامبر اکرم در حديثي، يکي از وظايف منتظران را اقتداء به آن حضرت بيان کرده و فرموده‌ است: «خوشا به حال کسي که قائم خاندان مرا درک کند؛ در حالي‌که پيش از قيام، از اقتدا‌کنندگان به او باشد». [54] شاخص مهم اين اقتدا، امر به معروف و نهي از منکر است؛[55] بنابراين اقتدا کنندگان حقيقي حضرت، آمران به معروف و ناهيان از منکر هستند که نه خود آلوده به گناه مي‌شوند و نه اجازه انتشار گناه و معصيت در جامعه را مي‌دهند.

1ـ3ـ3. تعريف امر به معروف و نهي از منکر نزد علماي شيعه

شيخ طوسي در نهايه مي‌فرمايد: امر به معروف و نهي از منکر، دو فريضه از فرايض اسلام هستند که بر اشخاص واجب است و ترک و اخلال در هيچ کدام از اين دو، بر کسي جايز نيست. [56]

آيت‌الله خوئي هم در منهاج الصالحين چنين آورده است: «از بزرگ‌ترين واجبات ديني، امر به معروف و نهي از منکر مي‌باشد».[57]

حضرت امام خميني هم در تحريرالوسيله چنين آورده است: امر به معروف و نهي از منكر از والاترين و با شرافت‌ترين فرائض است که به وسيله اين دو، ساير فرائض هم برپا مي‌شود و وجوبش از ضروريات دين اسلام است. منکر اين فريضه، با توجه و التفات به لازمة آن انكار و التزام به آن، کافر است.[58]

با توجه به اين که طبق روايات شيعه، در آخرالزمان برخي فسادهاي اعتقادي از جمله سستي مردم در دين و فسادهاي ديني از جمله فواحش و منکرات، و فسادهاي اجتماعي از جمله تعدي و ستم و فسادهاي تربيتي از جمله بي‌ادبي و بي‌حيايي و فسادهاي اخلاقي از جمله نفاق و دورويي، رواج پيدا مي‌کند، [59] ضرورت امر به معروف و نهي از منکر براي احياي ارزش‌ها و هنجارهاي ديني در عصر غيبت به وضوح نمايان است، تا در پرتو آن، جامعه از مظاهر فساد و زشتي‌ها پاک شده و جامعه‌اي سالم و صالح در پرتو فرهنگ انتظار به وجود آيد و زمينه، براي ظهور حضرت مهدي آماده شود.

2ـ3ـ3. پيش‌فرض‌هاي امر به معروف و نهي از منکر

از ديدگاه اسلامي، اين فريضه مهم (امر به معروف و نهي از منکر) بر چند پيش‌فرض مبتني است:

1. انسان، موجودي اجتماعي است که کمال پيشرفت او در پرتو زندگي جمعي و اجتماعي است.

2. اجتماعي‌زيستن انسان، به اين معنا نيست که در قبال خير و شر جامعه، بي‌مسؤوليت باشد و سرنوشت خود را از ديگران جدا ببيند؛ بلكه اجتماعي زندگي‌کردن، همراه مسؤوليت پذيري است. مسلمانان، بايد به يک‌ديگر ياري برسانند و زمينه رشد و تعالي را فراهم سازند و نقايص را برطرف کنند.

3. اجتماعي بودن، به معناي اسير بودن برابر خواسته‌هاي اجتماع نيست؛ بلکه انسان مي‌تواند در سخت‌ترين شرايط، راهي را که درست‌تر است، انتخاب کند. [60]

با اين پيش فرض‌ها امر به معروف معنا پيدا مي‌کند. در جامعه‌اي که سرنوشت اعضا به هم پيوسته و امکان حرکتي جداي از حرکت کلي نيست و انسان‌ها با سلامت جامعه، مي‌توانند به سعادت نايل آيند، امر به معروف و نهي از منکر، بزرگ‌ترين ضامن سلامتي و نظارت جامعه مي باشد. [61]

3ـ3ـ3. سطوح امر به معروف و نهي از منکر در عصر غيبت

الف. سطح فردي: هر انقلاب، پس از پيروزي، نيازمند نيروي انساني مجرّب و قابل اعتماد است. جامعه منتظران در عصر غيبت، بايد در درون خود، به کادر سازي نيروهاي مجرب و آراسته به فضائل بپردازد. [62]

يکي از شاخص‌هاي اصلي کادر انقلابي حکومت مهدوي، پارسايي و تهذيب نفس و آراستگي به مکارم اخلاق و . . . است. يقيناً در جامعه‌اي که داعيان به خير و نيکي و باز دارندگان از شر و زشتي وجود نداشته باشد، نفوس مهذب، بستري مساعد براي رشد و تکثير پيدا نمي‌کنند؛ به ويژه اگر قرار نباشد شکوفايي استعدادهاي معنوي در قالب تنگ استثناها محصور گردد؛ بنابراين، امر به معروف و نهي از منکر، نسبت به تک‌تک افراد، پيش‌نيازي اساسي براي پرورش کادر فرماندهان و کارگزاران حکومت مصلح جهاني است. [63]

ب. سطح حکومتي: منتظران مصلح جهاني، موظف هستند با منکرات کلان حکومتي برخورد فعال و جدي داشته باشند. از آن جا که «الناس علي دين ملوکهم؛ مردم بر دين سردمداران خود هستند»، منکراتي که از سوي دستگاه‌هاي رسمي اشاعه مي‌شود، تأثيري به مراتب مخرّب‌تر را در بردارد. [64]

لذا امر به معروف و نهي از منکر، در سطح حکومت‌ها و دولت‌ها، يکي از ارزشمندترين اقدامات محسوب مي‌شود و با اجراي آن، در سطح فردي و حکومتي، زمينه مناسبي براي ظهور امام زمان عليه السلام فراهم مي‌گردد.

اميرالمؤمنين عليه السلام در باب اهميت امر به معروف و نهي از منکر در سطح حکومت، مي‌فرمايد: «امر به معروف و نهي از منکر، نه اجلي را نزديک و نه رزقي را کم مي‌کند؛ اما برتر از آن همه، سخن عادلانه‌اي است که پيش روي حاکم ستمگري بر زبان جاري شود».[65]

لذا از ويژگي منتظران واقعي، پاکدامني و وارستگي اخلاقي و اجتماعي است. وقوع غيبت، در پي همين ناهنجاري‌هاي اخلاقي و اجتماعي است. و رفع اين غيبت هم در پاکدامني و وارستگي و تقوا است. امام زمان عليه السلام در توقيعي به شيخ مفيد مي‌فرمايد:

اگر شيعيان ما ـ خدايشان بر انجام طاعات موفق بدارد ـ در وفا کردن به عهد ما، همدل و يکنوا بودند، در يمن لقاي ما، دچار تأخير نمي‌شدند و سعادت ديدار توأم با معرفت ما، به سويشان مي‌شتافت، چيزي جز آنچه از ايشان به ما مي‌رسد و از آنان نمي‌پسنديم، ما را از ايشان جدا نکرده‌ است.[66]

همين گناهان است که ما را از مولايمان دور نگه داشته و سبب غيبت حضرت شده است؛ لذا تقوا و پاکدامني و راستي و عمل به ارزش‌ها و هنجارهاي ديني و دوري از ناهنجاري‌ها، از وظايف منتظران است و انتظار امام زمان عليه السلام چنين کارکردي را بايد در منتظران حضرت داشته باشد. اگر منتظران، چنين خصوصياتي را در خود پرورش دهند، برادران پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله به شمار مي‌روند؛ چنان‌كه حضرت رسول اکرم صلي الله عليه و آله خطاب به اصحاب فرمود: «شما اصحاب من هستيد؛ ولي برادران من مردمي هستند که در آخرالزمان مي‌آيند» آن گاه در توصيف اينان فرمود:

هريک از ايشان، بيش از کسي که بر زجر پوست‌کندن درخت خار با دست خالي در شب تاريک يا نگهداري آتش سوزان چوب درخت تاغ در کف دست، در دينداري خود استقامت و پايداري مي‌ورزد. به راستي که آنان، چراغ‌هاي هدايت در شب‌هاي ظلماني هستند.[67]

منتظران واقعي، در پاکي و تقوا و دينداري چنان صبورند که همانند نگه‌داشتن آتش در دست، استقامت مي‌ورزند؛ پس، از کارکردهاي اجتماعي انتظار، کنترل اجتماعي و حفظ و صيانت خود و جامعه از معاصي و گرايش به هنجارها و ارزش‌هاي ديني است.

4ـ3ـ3. فرايند اعمال کنترل اجتماعي (امر به معروف و نهي از منکر)

کمترين درجه اعمال کنترل اجتماعي، ترشرويي است؛ چنان‌كه اميرالمؤمنين عليه السلام مي‌فرمايد: «پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله به ما امر مي‌کرد با اهل گناهان، با چهره‌هاي در‌هم‌کشيده مواجه شويم»[68].

اگر به ميزاني ارتباط و پيوند گروهي بين اشخاص وجود داشته باشد که مؤمن مورد نظر، جزئي از جهان اجتماعي شخص ديگر باشد و ميل به پيوند و ميل به مقبوليت در آن شخص، شامل مؤمن مورد نظر نيز بشود، آن گاه کمترين ميزان اعمال کنترل اجتماعي توسط مؤمن بر شخص ديگر، اعمال فشار عاطفي و در هم کشيدن چهره و ترشرويي است.[69]

در بيان ديگري هم پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله پائين‌ترين درجه ايمان را همين کراهت قلبي و ترشرويي دانسته و فرموده‌است:

هرکس از شما که کار ناهنجاري را در جامعه مشاهده کرد، حتماً با عمل خود به آن اعتراض کند و اگر قدرت آن را ندارد، با زبان خود به آن اعتراض کند، و اگر قدرت آن را ندارد، با قلب خود به آن اعتراض کند، و اين کراهت قلبي و ترشرويي، پائين‌ترين درجه ايمان است.[70]

بنابراين، کمترين درجه اِعمال کنترل اجتماعي، ترشرويي است؛ چرا که اگر در جامعه‌اي فرايند اعمال کنترل اجتماعي (امر به معروف و نهي از منکر) تعطيل شد، آن جامعه، جامعه مرده و ايستايي خواهد بود، و پويا محسوب نمي‌شود. در روايت آمده است: «هرکس که امر به خوبي‌ها و ارزش‌ها و نهي از ناهنجاري‌ها را در جامعه کنار گذاشت، مرده‌اي در ميان زنده‌هاست»[71].

مرتبه ديگر اعمال کنترل اجتماعي، طرد اجتماعي است. از ويژگي فطري انسان، ميل به عضويت و پيوند گروهي است و عدم برآوردن اين نياز فطري، براي او يکي از زجرها به شمار مي‌رود. اگر شخص کجرو، با ترشرويي دست از ناهنجاري خود برنداشت و با تذکر لساني هم تحت تأثير قرار نگرفت، تهديد به طرد اجتماعي و قطع پيوند گروهي که به طور زباني ابراز مي‌شود، مرتبه ديگري از کنترل اجتماعي به شمار مي‌آيد؛ اگر باز هم با تهديد به طرد اجتماعي، ترک رفتار نابهنجار ميسر نشد، مرتبه بعدي اعمال کنترل اجتماعي، طرد اجتماعي است. [72]

روايت 21200 وسائل الشيعه ناظر به اين مطلب است که تهديد به طرد اجتماعي عاملي در جهت کنترل اجتماعي است: «به فرد نابهنجار بگوييد: دست از رفتار نابهنجار خود بردارد؛ اگر دست برداشت، با او ارتباط داشته باشيد وگرنه با او قطع رابطه کنيد»[73].

پس نخستين مرحلة اعمال کنترل اجتماعي، ترشرويي و مرحله بعد، طرد اجتماعي است. مرحوم شهيد مطري مي‌فرمايد:

اما نکته قابل دقت در طرد اجتماعي آن است که طرد اجتماعي، در موردي است که آن شخص، با شما چنان صميميتي داشته باشد که اگر با او قطع رابطه و قطع رفت و آمد کني، اين عمل شما، نسبت به او تنبيه باشد و تنبيه تلقي شود؛ يعني تحت يک زجر و شکنجه روحي قرار گيرد و اين عمل شما در جلوگيري از کار بد او تأثير داشته باشد؛ والاّ در غير اين صورت، چه بسا از اين که شما با او قطع رابطه کنيد، استقبال مي‌کند، تا او هم با شما قطع رابطه کند و آزادتر دنبال منکرات و کارهاي زشت برود. در اين‌جا، قطع رابطه شما با او، نه تنها اثر تنبيهي ندارد، بلکه اثر تشويقي نيز دارد. در چنين مواردي، طرد اجتماعي و قطع رابطه، درست نيست. [74]

آن مرحوم دربارة آسيبي که متوجه فرايند امر به معروف و نهي از منکر مي‌شود مي‌گويد: «ما معمولاً از مرحله قلب، به جاي آن که اخلاص و حسن نيت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنيم، جوش و خروش و عصبانيت‌هاي بي‌جا مي‌فهميم و از مرحله زبان، به جاي آن که بيان‌هاي روشن کننده و منطقي بفهميم که قرآن مي‌فرمايد: Gادع الي سبيل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنهF، [75] موعظه‌ها وپندهاي تحکم‌آميز مي‌فهميم و از مرحله يد و عمل هم به جاي اين که تبليغ عملي و حسن عمل و همچنين تدابير عملي بفهميم، تنها اين مطلب را فهميده‌ايم که بايد اعمال زور کرد. [76]

5ـ3ـ3. انگيزه‌هاي ترک امر به معروف و نهي از منکر

با توجه به تأکيد اسلام بر امر به معروف و نهي از منکر، سکوت و بي‌تفاوتي در اين فريضه، مورد نکوهش قرار گرفته است. امام باقر عليه السلام مي‌فرمايد: «بد اجتماعي هستند، اجتماعي كه امر به معروف و نهي از منکر را عيب و نقص بدانند». [77] ما در صدد بيان انگيزه‌هاي ترک يا بي‌تفاوتي برابر اين موضوع هستيم. معمولاً اگر عملي با تنبيه مکرّر مواجه نشود يا تشويق نبيند، بيهوده و کم‌اثر جلوه مي‌کند و موجب ترک مي‌شود. امر به معروف هم از اين قاعده عمومي مستثنا نيست. اگر عضو معمولي گروه يا جامعه‌اي با عمل به منکر يا ترک معروفي که توسط افراد با نفوذ و مقتدر گروه، صورت گرفته، رو به رو شود، اعمال فشار و کنترل اجتماعي بر ضد شخص مقتدر و مافوق، مشکل است. اگر بخواهد اعمال کنترل و تندي کند يا به او سلام نکند، توسط اعضاي گروه، بي‌ادبي تلقي مي‌شود و تحت فشار قرار مي‌گيرد و اگر بخواهد قطع رابطه کند، چنين کاري انزواي عضو معمولي است، نه طرد اجتماعي شخص کجرو و برجسته گروه. [78] در اين مواقع است که انگيزه‌هاي بي‌تفاوتي و سکوت برابر رعايت ارزش‌ها و هنجارها قابل طرح و بررسي است.

الف. ترس: در روايت آمده است که روز قيامت، خداوند شخصي را مي‌آورد و از دليل عدم امر به معروف و نهي از منکر از او مي‌پرسد. او جواب مي‌دهد: «خدايا! ترسيدم». خداوند مي‌گويد: «من سزاوارتر بودم که بترسي». [79] لذا يکي از عوامل ترک امر به معروف ترس است.

ب. طمع: عامل ديگري که از انگيزه‌هاي ترک امر به معروف و نهي از منکر و عدم اِعمال کنترل اجتماعي برابر ارزش‌ها و هنجارهاي ديني است، تشويق‌ها و وعده‌هايي است که از جانب منحرفان به شخص داده مي‌شود.

در روايت، آمده است: خداوند، اين سکوت برابر بدي‌ها را بر دانشمندان و مروّجان ديني يهود و نصارا عيب و ننگ شمرده است، زيرا آنان بدي‌ها و فساد را از ظالمان مي‌ديدند؛ ولي بي‌تفاوت بودند و اين، به دليل ميل و رغبت مربيان ديني به هدايايي بود که از جانب ستمگران به آنان مي‌رسيد.[80]

ج. تعلق: انگيزه سوم در ترک اين فريضه، تعلق و وابستگي فرد، به گروه و اجتماع است که در سايه اين تعلّق و وابستگي به گروه، نسبت به ناهنجاري‌ها ساکت و بي‌تفاوت است؛ چرا که بر اثر اين تعلق، اگر اظهار تنفر و انزجار از منکر کند، ديگر اعضاء او را طرد مي‌نمايند؛ لذا «افرادي که امر به معروف و نهي از منکر را ترک مي‌کنند، يا به انگيزه تعلق و وابستگي اجتماعي به گروه يا اجتماع است يا به انگيزة ترس و بر اثر تهديد و يا بر اثر تطميع و به انگيزه طمع». [81]

براي مبارزه با اين انگيزه‌ها بايد ارزش‌ها و هنجارهاي محکم بر ضد تارکان امر به معروف ايجاد شود و پيشاپيش بر ضد شرايط اجتماعي دعوت‌کننده به بي‌تفاوتي برابر ارزش‌ها و هنجارها و سکوت در قبال نقض ارزش‌ها، موضع‌گيري محکم و سريعي انجام شود؛[82] چنان‌كه در حديثي از پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله براي تارک امر به معروف، چنين موضع‌گيري تندي انجام شده و آمده است: خداوند، به يقين، مؤمن ناتوان را که درشتي ندارد و فرياد نمي‌زند را دشمن مي‌دارد و فرموده: او کسي است که امر به معروف و نهي از منکر نمي‌کند. [83]

6ـ3ـ3. ساختار اجتماعي، فرهنگي عصر غيبت

با توجه به برخي روايات، منتظران واقعي، بايد نظارت اجتماعي را درجوامع خود تقويت کنند، تا زمينه براي ظهور امام زمان تسهيل شود. وجود اين گونه روايات حاکي از ضرورت و اهميت زياد نظارت اجتماعي در دوران انتظار است که دراين قسمت، به برخي از روايات اشاره مي‌كنيم:

خروج دجّال، يکي از علائم ظهور امام زمان عليه السلام است. در متون ديني ما، خروج دجال به معناي به اوج رسيدن ويژگي‌هاي منفي و ضد ارزش در جامعه است. [84] در حديثي، حضرت علي عليه السلام علائم خروج دجال را ظهور و بروز برخي ويژگي‌ها و مفاسد در جامعه بيان مي‌کنند. [85] که در قالب چهار عنوان ذکر مي‌کنيم:

الف. ارتباط و تعامل‌هاي ناسالم كه عبارتند از:

- ضايع کردن امانت؛

- پسنديده‌شمردن دروغ‌گويي؛

- رباخواري؛

- رشوه گيري؛

- قطع پيوندهاي خويشاوندي؛

- پيمان‌شکني.

ب. جا به جايي اقتدار و احترام كه شامل چنين مواردي است:

- پليدترين مردم، رهبر است؛

- فرمانروايان، قانون‌شکن هستند؛

- وزيران، ستمکارند؛

- بدان، گرامي‌اند؛

- قاريان قرآن، بدکارند؛

- بي‌خردان به کار گمارده مي‌شوند.

ج. جابه‌جايي ارزش‌ها، از جمله:

- دانش، ضعف است؛

- ظلم، فخر است؛

- امر دنيا، بر دين ترجيح دارد؛

- ميل به دنيا شدت دارد؛

- حيات انسان، بي‌ارزش است؛

- قلب‌ها در عين انبوهي صف‌ها پراكنده است؛

- ساختمان‌ها برافراشته مي‌شود.

د. شکسته شدن هنجارها كه شامل چنين مواردي است:

- ميراندن نمازها؛

- فروختن دين به دنيا؛

- پيروي از هوس‌ها؛

- آشکار شدن گواهي ناحق؛

- علني‌شدن گناهان؛

- بلند‌شدن صداي بدکاران؛

- شراکت زنان در تجارت شوهران. [86]

اين ويژگي‌ها و ضد‌ارزش‌ها، همه از علايم خروج دجال مي‌باشد که از علائم ظهور است؛ لذا در سايه کنترل اجتماعي، يعني امر به معروف و نهي از منکر مي‌توان زمينه‌هاي فساد و تباهي را از جامعه برکنار کرد، تا زمينه‌هاي ظهور امام زمان عليه السلام هموار شود؛ بنابراين کارکرد اجتماعي انتظار حضرت مهدي عليه السلام کنترل اجتماعي است که با سه مکانيزم قابل اجرا است: احساس حضور، جامعه‌پذير کردن انتظار و امر به معروف و نهي از منکر. انسان منتظر، خود و محيط پيرامون و جامعه را با اين سه مکانيزم، از ناهنجاري‌ها دور نگه مي‌دارد و زمينه را براي ظهور امام زمان عليه السلام فراهم و مهيا مي‌سازد، وگرنه انتظار حقيقي و سازنده در او تجلي نکرده است.

نتيجه

انتظار موعود عليه السلام در جايگاه يک استراتژي شيعه، قادر به حفظ وصيانت از خود و جامعه مي‌باشد. منتظران راستين امام زمان عليه السلام با توجه به مقوله انتظارامام زمان عليه السلام مي‌توانند به تقويت هنجارها وارزشهاي ديني ومهدوي بپردازند و جامعه را از سقوط در عقايد انحرافي بازدارند. بنابراين، انتظار حقيقي، انتظاري است که افراد، خود و جامعه را ازانحرافات بازدارند وجامعه را در جهت حرکت به سوي خوبي‌ها و دوري جستن از انحرافات، سوق دهند.

[1]. هدايت الله ستوده، آسيب شناسي اجتماعي (جامعه شناسي انحرافات)، ص137، تهران، آواي نور.

[2]. «من سرّه ان يکون من اصحاب القائم فلينتظر وليعمل بالورع و محاسن الاخلاق، و هو منتظر»؛ محمد بن ابراهيم، نعماني، الغيبه، تحقيق علي اکبر غفاري، ص 200، ح16، مکتبه الصدوق.

[3]. «فيعمل کل امري منکم ما يقرب به من محبتنا و ليتجنب ما يدنيه من کراهتنا، و سخطنا فانّ امرنا بغتة فجأة حين لاتنفعه و توبة و لاينجيه من عقابنا ندم علي حوبة…»؛ محمدباقرمجلسي، بحارالانوار، ج 53، ص176، دار الاحياء التراث العربي، بيروت.

[4]. همان، ص 177؛ «… فما يحبسنا عنهم الا ما يتصل بنا مما نکرهه و لا نؤثره منهم…».

[5]. مفاتيح الجنان، بخشي از زيارت امام زمان در روز جمعه.

[6]. محمد باقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص175.

[7]. محمد رضا شرفي، مقدمه‌اي بر آثار تربيتي و روانشناختي انتظار (سخنراني‌هاي گفتمان سوم مهدويت)، ص138، قم، بوستان کتاب.

[8]. محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج 46، ص 243 ـ 244.

[9]. چالمرز جانسون، تحول انقلابي، ترجمه حميد الياسي، ص 43.

[10]. ژان کازينو، قدرت تلويزيون، ترجمه علي اسدي، ص71، تهران، مؤسسه انتشارات اميرکبير، اول، 1364ش.

[11]. عبدالحسين نيک گهر، مباني جامعه شناسي، ص329، تهران، نشر رايزن، اول، 1369ش.

[12]. غلامرضا صديق اورعي، انديشه اجتماعي در روايات امر به معروف و نهي از منکر، ص34، سازمان تبليغات اسلامي، 1374ش.

[13]. محمد رضا طالبان، مطالعه تطبيقي در خصوص امر به معروف و نهي از منکر و نظارت اجتماعي، ص35، معاونت آموزش و پرورش دفتر پژوهش‌هاي اجتماعي، 1376ش.

.[14] همان، ص 36.

[15]. چالمرز جانسون، تحول انقلابي، ص 47.

[16].همان.

[17].همان

[18]. همان.

[19]. جوزف روسک و رولندوارن، مقدمه‌اي بر جامعه شناسي، ترجمه بهروز نبوي و احمد کريمي، تهران، ص38، انتشارات کتابخانه فروردين، سوم، 1369ش.

[20]. علي اکبر کمالي، بررسي مفهوم جامعه پذيري سياسي، ص135، تهران، سازمان تبليغات اسلامي، اول، 1374.

[21]. همان.

[22]. همان، ص146.

[23]. سالنامه آماري کشور، سال1380، ص49.

[24]. علي اکبر کمالي، همان، ص 154.

[25]. بيُمنه رزق الوري و بوجوده ثبتت الارض والسماء.

[26]. السلام عليک يا عين الله في خلقه.

[27]. أين قاصم شوکة المعتدين اين هادم ابنية الشرک و النفاق، اين مبيد أهل الفسوق و العصيان والطغيان؟

[28]. محمدتقي موسوي اصفهاني، مکيال المکارم، ترجمه سيد مهدي حائري قزويني، ج2، ص309، نشر ايران نگين.

[29]. جوزف روسک و رولند وارن، ، مقدمه‌اي بر جامعه‌شناسي، ترجمه بهروز نبوي و احمد کريمي، ص232.

[30]. محسن کتابچي، مهدي منتظر (ناموس اعظم حق در کلام امام هشتم7)، ص41، آستان قدس رضوي، دوم، 1380ش.

[31]. محمد مهدي آصفي، الانتظار الموجه، ص68، مجمع جهاني اهل بيت، 1385ش.

[32]. مرتضي مطهري، قيام و انقلاب مهدي، ص62 و63، سيزدهم، 1373ش.

[33]. عمادالدين باقي، در شناخت حزب قاعدين زمان، ص139، نشر دانش اسلامي.

[34]. سيد ضياء الدين عليانسب، سلمان علوي نيک، جريان‌شناسي انجمن حجتيه، ص55، زلال کوثر، اول، 1385ش.

[35]. عمادالدين باقي، در شناخت حزب قاعدين زمان، ص139.

[36]. محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج 51، ص 73.

[37]. امام خميني، صحيفه نور، ج 20، ص 196.

[38]. همان، ص 196ـ 197.

[39]. همان، ص 198.

[40]. مرتضي مطهري، همان، ص 63ـ64.

[41]. امام خميني، صحيفه نور، ص 197.

[42]. مرتضي مطهري، قيام و انقلاب مهدي، ص63ـ64.

[43]. همان، ص 66.

[44]. محمدصابر جعفري، «انديشه مهدويت و آسيب‌ها»، فصلنامه انتظار موعود، ش 15، ص 50.

[45]. شيخ صدوق، کمال الدين و تمام النعمة، ترجمه منصور پهلوان، ج2، باب33، ح32، ص22، قم، دار الحديث.

[46]. مرتضي مطهري، قيام و انقلاب مهدي، ص 67.

[47]. محمدصابر جعفري، «انديشه مهدويت و آسيب‌ها»، فصلنامه انتظار موعود، شماره19.

[48]. همان.

[49]. محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبه، باب 15، ح 5، ص 285.

[50]. امام خميني، صحيفه نور، ج 20، ص 199.

[51]. همان، ج 18، ص 195.

[52]. سيد رضي، نهج البلاغه، قم، مؤسسه نشر اسلامي، حکمت 374، ص184؛ «ما اعمال البر کلها و الجهاد في سبيل الله، عند الامر بالمعروف و النهي عن المنکر، الا کنفثه في بحر لجي».

[53]. محمدرضا حکيمي، ، خورشيد مغرب، ص272، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، هشتم، 1373ش.

[54]. محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج 52، ص 130؛ «طوبي لمن ادرک قائم اهل بيتي و هو مقتد به قبل قيامه…».

[55]. محمدرضا حکيمي، خورشيد مغرب، ص272.

[56]. شيخ طوسي، نهاية، ص299، بيروت، دار الکتاب العربي، 1390ق؛ «الامر بالمعروف و النهي عن المنکر فرضان من فرائض الاسلام و هما فرضان علي الاعيان، لايسع احداً ترکهما و الاخلال بهما».

[57]. ابوالقاسم موسوي خوئي، منهاج الصالحين، ج1، ص350، دار البلاغه؛ «من اعظم الواجبات الدينيه الامر بالمعروف و النهي عن المنکر».

[58]. امام خميني، تحريرالوسيله، ج1، ص424، مؤسسه نشر اسلامي، هشتم، 142ق، ج1، ص424؛ «هما من اسمي الفرائض و اشرفهما، وبهما تقام الفرائض، و وجوبهما من ضروريات الدين، منکره مع الالتفات بلازمه و الالتزام به من الکافرين».

[59]. محمدجواد خراساني، مهدي منتظر، تحقيق سيد جواد ميرشفيعي خوانساري، ص123 ـ 160، بنياد پژوهشهاي علمي فرهنگي نور الاصفياء.

[60]. محمدرضا طالبان، همان، ص14ـ15.

[61]. همان، ص 15.

[62]. سيد ثامر هاشم العميدي، ، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقيق مهدي عليزاده، ص285، قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، اول، 1379ش، ص285.

[63]. همان، ص 286.

[64]. همان.

[65]. نهج البلاغه، حکمت 374، ص184، قم، مؤسسه نشر اسلامي؛ «و ان الامر بالمعروف و النهي عن المنکر لايقرّبان من اجل و لاينقصان من رزق، و افضل من ذلک کله کلمه عدل عند امام جائر».

[66]. ابي منصور احمد طبرسي، احتجاج، ج2، ص325، نجف، نعمان نجف اشرف، 1386ق؛ «…و لو کان اشياعنا، و فقهم الله لطاعته، علي اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم، لما تأخر عنهم اليمن بلقائنا…».

[67]. محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج52، ص124؛ «لاحدهم اشد بقيه علي دينه، من خرط القتاد في الليله الظلماء او کالقابض علي جمر الغضاء اولئک مصابيح الدجي…».

[68]. شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، ج16، ص143، قم، موسسه آل البيت؛ «امرنا رسول الله6 ان نلقي اهل المعاصي بوجوه مکفهره».

[69]. غلامرضا صديق اورعي، انديشه اجتماعي در روايات امر به معروف و نهي از منكر، ص75.

[70]. شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، ج 11، ص 407؛ «من راي منکم فلينکر بيده ان استطاع…».

[71]. همان، ص 404؛ «من ترک انکار المنکر بقلبه و لسانه فهو ميت بين الاحياء».

[72]. غلامرضا صديق اورعي، انديشة اجتماعي در روايات امر به معروف و نهي از منكر، ص75ـ76.

[73]. شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، ج 16، ص 146؛ «لو انکم اذا بلغکم عن الرجل شيء تمشيتم اليه فقلتم: يا هذا! اما ان تعتزلنا و تجتنبنا، و امّا ان تكفّ عن هذا، فان فعل و الا فاجتنبوه».

[74]. مرتضي، مطهري، مجموعه آثار، ج 17، ص 246.

[75]. نحل(16): 125.

[76]. همان، ج 20، ص200ـ201.

[77]. شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، ص 117؛ «بئس القوم قوم يعيبون الامر بالمعروف و النهي عن المنکر».

[78]. غلامرضا صديق اورعي، انديشه اجتماعي در روايات امر به معروف و نهي از منكر، ص 96.

[79]. ميرزا نوري طبرسي، مستدرک الوسائل، ج12، ص185، قم، مؤسسه آل البيت.

[80]. شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، ص 130.

[81]. غلامرضا صديق اورعي، انديشه اجتماعي در روايات امر به معروف و نهي از منكر، ص 98.

[82]. همان.

[83]. شيخ حر عاملي، وسائل‌الشيعة، ح 21149، ص 125.

[84]. غلامرضا صديق اورعي، انديشه اجتماعي در روايات امر به معروف و نهي از منكر، ص 104.

[85]. ميرزا حسين نوري طبرسي، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 326.

[86]. غلامرضا صديق اورعي، انديشه اجتماعي در روايات امر به معروف و نهي از منكر، ص 105 ـ 104.